

قبایل ترکمن یوموت

از گذشته تا امروز

نوشته‌ی: مایا امیرقلی یوا



■ ترجمه‌ی: محمد قجقی
نویسنده، مترجم و پژوهشگر
تاریخ و فرهنگ ترکمن

■ چکیده:

اکثریت ملت‌های دنیا و شاید همه‌ی آنها در دوره‌ای مشخص از تاریخ خود مرحله‌ی تقسیم شدن به عشیره و قبیله را تجربه کرده‌اند. به علت شرایط اقتصادی و اجتماعی این تقسیم شدن در برخی از خلق‌های ترک یعنی آنهایی که به شیوه‌ی کوچ‌نشینی می‌زیسته‌اند مثل قزاق‌ها، قرغیزها، باشقورت‌ها، ترکمن‌ها مدت بیشتری دوام آورده است.

عشیره‌ها و قبایل ترکمن در آثار محمود کاشغری، مبارک‌شاه، رشید الدین، یازجی اوغلی علی، سالار بابا خریداری و ابوالغازی، ذکر و ثبت شده‌اند. در دیوان لغات الترک، محمود کاشغری درمورد اسامی طوایف ترکمن و نام آن‌هایی را که بعد از حملات مغول دچار تحولات شده‌اند و اینکه اکثر ایشان به کشورهای همسایه گریخته‌اند و بقیه‌ی آنها با گروه‌های قومی جدید ترکیب شده و طوایفی چون تکه، یوموت، گوکلن، ارساری، ساریق، ساکار، آللی، اولام، سرحی و امثالهم به وجود آورده‌اند. اطلاعات منظم و معقولی ارائه نموده است.

در این مقاله در مورد طایفه‌ی بزرگ یوموت که امروزه در ترکمنستان و خارج آن حضور دارند تاکید خواهیم نمود. در قلمروی ترکمنستان این قوم به دو شاخه‌ی «شاقدم» یا «یوموت‌های غربی» و «دانش اوغوز» یا «یوموت‌های شمالی» تقسیم می‌شود. بخش بزرگی از یوموت‌ها در «ترکمن صحرای ایران» (در اطراف رودهای اترک و گرگان) می‌زیند. البته یوموت‌هایی در قلمروی افغانستان و قازا قالپاقستان به صورت جماعات کوچک دیده می‌شوند.

واژگان کلیدی: ترکمن، قوم، قبیله، کوچ‌نشین، اترک، گورگن و گوکلان.

■ طوایف ترکمن از گذشته تا امروز

اکثریت ملت‌های آسیایی، بلکه همه‌ی ایشان در دوره‌های مشخصی از تاریخ‌شان، ماجرایی تقسیم شدن به قوم و طایفه را از سر گذرانده‌اند. در برخی از ملت‌ها، مثلاً از جماعات ترک «تاتار» و «اویغورها» این چنین تقسیم شدن را در دوره‌های بسیار قدیم از سر گذرانده‌اند. اما بعدها این قاعده به نسیان سپرده شده است. در برخی دیگر و عموماً در آنهایی که به شیوه‌ی کوچ نشینی و یا شیوه‌ی متکی بر دامداری و کشاورزی زندگی می‌کردند، یعنی در میان ملت‌هایی چون قزاق‌ها، قرغیزها، قارا قالپاق‌ها و ترکمن‌ها، سنت تقسیم شدن به اقوام و طوایف از ادوار بسیار قدیم تا به زمان‌های نزدیک ادامه داشت. ضرورت تاریخی که باعث این تقسیم شدن بود، امروزه ازمیان رفته است. بدین سبب در قرن بیستم، دیگر به تشکیل قوم و قبیله برخورد نمی‌کنیم. اما توسط برخی شیوه‌های گوناگون همانند خود ویژگی ابزار و وسایلی که در معماری و اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرند لباس و پوشاک، قالی بافی، تزئینات و سوزن‌دوزی، فرهنگ غذایی و آداب و رسوم، که به عنوان سنت از قدیم آمده‌اند محافظت شده‌اند.

به نوشته‌ی آکادمیک و.و. بارتولد، اوغوزها (ترکمن‌ها) با تاسیس امپراتوری بزرگ سلجوقی، در قرون میانه‌ی جهان اسلام صاحب موقعیت بسیار مهمی شدند و از همه‌ی ملت‌های ترک، مرتبت بالاتری یافتند. بدین گونه در کانون توجهات قرار گرفتند. بدین سبب در منابع اسلامی تنها طوایف اوغوز، به شکلی گسترده صاحب جایگاه هستند. در خصوص دیگر خلق‌های ترک، به این گونه اطلاعاتی نداریم. [Bartold, 1963: 34]

در اواخر ربع اول قرن سیزدهم میلادی، جغرافیای فعلی ترکمنستان به تصرف اردوی چنگیز خان درآمد. مراکز تمدنی ولایات ماری (مرو)، اورگنج (اورگنج قدیم)، لباپ (آمل) و آخال، با خاک یکسان شدند. پس از سقوط دولت ترکمن، از قلمروی آن کشور بخشی را به امیر نشین بخارا، بخش دیگری را به خان نشین خیوه، آخال و دور و اطراف غربی را هم به سلطه‌ی شاهان دادند. اقدامات این حکام سلطه جو، زمینه را برای تقسیم خلق ترکمن به اقوام و طوایف کوچک آماده ساخت و ضمناً آن حکام، سیاست دولتی ایجاد نفاق یک قوم ترکمن با قوم دیگر یا علیه تعدادی از قبایل ترکمن را پیشه‌ی خود کرده بودند. در این وضعیت طوایف ترکمن برای اینکه جماعات منسوب به خویشان را به فراموشی نسپرند و در حالی که، در معرض خطرات قرار داشتند، مجبور شدند، بدانند که کدام طایفه به ایشان یاری خواهند نمود. در نتیجه مسئله‌ی تقسیم شدن اقوام و طوایف ترکمن، بسیار تداوم یافت و این قاعده‌ی اجتماعی در اوایل این قرن نیز گسترش داشت. [Ataniyazov, 1994: 5]

خلق‌هایی که به ترکی تکلم می‌کردند، در قرون هفتم و هشتم به اقوام و طوایف تقسیم شده بودند. درسنگ نوشته‌های موجود در «اورخون ینی سئی» که قدیمی‌ترین نوع خود هستند، با اسامی قومی ترکانی چون «آز»، «باسمیل»، «قارلیق»، «اوچ قارلیق»، «قرغیز»، «اوغوز»، «دوقوز اوغوز»، «اوچ اوغوز»، «تابغاچ»، «تانغوت»، «توکش»، «اویغور»، «اون اویغور»، «چیک یا چیغ» روبه رو می‌شویم، این حادثه‌ی تاریخی را به میان می‌آورد. [Malov, 1959: 12-13] از این جمع اسامی قومی طوایف «آز»، «آسا، یاسا»، «قارلیق»، «اوغوز»، «چیک = چیغ» به عنوان قومی و طایفه‌ی ترکمن هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

بدین خاطر مردمان اصلی دولت‌های مستقل ترک امروزه، که شامل جماعات قومی چون ترکمن‌ها، ازبک‌ها، قزاق‌ها، و قارا قالپاق‌ها می‌شوند، از نظر تعداد، پرجمعیت هستند. مثلاً اوغوزان ترکمن شامل 24 قبیله‌اند. اصطلاح بوی یا طایفه در اینجا نشان داده می‌شوند. قبایل ترکمن عمدتاً به دو، سه و بعضاً به چهار و یا حتی به پنج گروه بزرگ تقسیم می‌شوند. مثلاً تکه‌ها به دو گروه، اوتامیش و توغتامیش به دو گروه، یمرلی به قومی و داغلی به دو

گروه، یوموت‌ها به بایرامشالی، آتابای و جعفریای به سه گروه، آرساری‌ها به اولودپه، گونش، قارا، بکه وول به چهار گروه. چودورها به قارا چودور، ابدال، ایگدیر، بوزاجی و بورونجیک به پنج گروه تقسیم می‌شوند. در زمان ابوالغازی خان اوزبک، اصطلاحی کوچک‌تر از قبیله و به عنوان طایفه‌ای بزرگ به نام توپه را مورد استفاده قرار می‌داده‌اند. (MIT, 1993: 328) این اصطلاح بخشی از واژه‌ی، ارساری‌ها به صورت «اولو تپه» را در نامش حفظ نموده است.

■ از قبایل اوغوز به طوایف ترکمن

طوایف ترکمن جدید که بر طوایف قدیم اوغوز تکیه دارند، شاخه‌های جامعه شناسانه‌ی ایجاد شده توسط مردم ترکمن می‌باشند. در تطابق با اصول و قواعد اروپایی ما، طایفه را به عنوان نقطه‌ی آغازین گروه مبنایی تشکیل یک ملت کامل می‌دانیم. اما همان‌گونه که از تاریخ استنباط می‌نمائیم، ترکمن‌ها هیچ زمانی به اتحاد دست نیافته‌اند و گروه اساسی را «خلق» نامیده‌اند و آن را به طایفه‌ها یا اویماق‌ها تقسیم می‌کنند.

خلق - مردم، در معنای قبیله

طایفه (اویماق) مردم - آوردو

تیره (بوی) قسمت، بخش، زمره (Vamberi 2003: 230-233)

قبلاً قوای چنگیز و تیمور حملات سنگینی علیه خلق ترکمن ترتیب دادند و ریشه‌ی ایشان را به لرزه در آوردند. در این سال‌های مشقت بار، تعداد زیادی از انسان‌ها، که از کشتار نجات یافتند و در سرزمین خود باقی ماندند، در قرون 13 و 14 بدون توجه به اینکه به کدام ملت وابسته هستند، به دور برخی خان‌های شناخته شده و مشخص گرد آمدند و جماعات قومی جدیدی را پدید آوردند. تعداد زیادی از این جماعتی که اسامی متفاوتی از قبایل پیشین پیدا کرده بودند، بعدها گسترش یافته به حدّ یک قبیله رسیدند. امروزه تعداد زیادی از طوایفی که این اسامی را بر دوش می‌کشند، در جغرافیای بسیار دور از ترکمنستان زندگی می‌کنند. مثلاً در «ایسیک گول» و در کناره‌های «سیر دریا»، وارد صحنه‌ی تاریخ شدند و با قلمروی ترکمنستان ارتباط نزدیکی پیدا نکرده‌اند. همان‌گونه که قبلاً متذکر شدیم، اکثریت بزرگی از طوایفی که در این قلمرو سکونت پیدا کرده بودند، بعدها به علل مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی مجبور شدند مساکن خود را ترک نمایند. در منسوبان به این طوایف زبان (گویش)، لباس و پوشاک، قالی‌هایی که می‌بافند، اشکالی که می‌کشند، نقاشی‌ها، درک موسیقایی آنها، خورد و خوراک، ابزار و آلاتی که در امور کشاورزی و دامداری مورد استفاده قرار می‌دهند کم و بیش تفاوت‌هایی مشاهده می‌شوند. ضمناً ایشان می‌دانند که به کدام قبیله و طایفه منسوبند و ارتباط خویش را از دست نداده‌اند.

تفاوت‌هایی که بین طوایف ترکمن وجود دارند و در بالا بدان‌ها اشاره کردیم، بر اساس آداب و رسوم امروزه هم دیده می‌شود و تا اندازه‌ای زنده نگه داشته شده‌اند. با نظر داشت این ویژگی‌ها، در دوره‌ی اتحاد شوروی، ابتداء داشمندان روس و بعداً قوم‌شناسان و زبان‌شناسان ترکمن، با الگو قرار دادن آنها اکثر این قبایل را مورد مطالعه قرار داده‌اند. وضعیت قومی طوایف متفاوت و زبان‌های ایشان را از نظر شیوه و قوم‌شناسی در مطالعات میدانی کار کرده‌اند و به دست چاپ سپرده‌اند. نمونه‌های این کار در مورد دیلکت «شیوه» طوایف آللیلی، آراباچی، آتا، قاراداشلی، گوکلن، یمرلی، یوموت، مَکری، نَخور، اولام، ساکار، سالیر، ساریق، سَرچی، حاسارلی، چودور، ارساری. یعنی عموماً در خصوص دیالکت‌های زبان ترکمنی، که اگر با اصطلاح شیوه‌ی طایفه‌ای (صحبت و گویش طایفه‌ای) افاده شود، می‌بینیم آن پژوهش‌ها به چاپ رسیده است. (Natiyev, 1994: 3)

هر چند در خصوص تعداد جمعیت طوایف ترکمن هیچ سرشماری انجام نگرفته است، ترکمن‌هایی که امروزه

در قلمروی ترکمنستان جای گرفته‌اند و رکن اصلی مردم ترکمن را شکل داده‌اند، حداقل طوایفی که بعداً متشکل شده‌اند، بعضاً دارای جمعیت فراوان بوده‌اند. می‌توان گفت برخی جمعیت متوسطی دارند و شماری نیز از بعد جمعیت و اسکان به شکل قبایل کوچک هستند. بزرگترین این طوایف تکه، یوموت، ارساری و کوچک‌ترهای ایشان طوایفی چون چودور، سالیر، گوکلن و آتا هستند. طوایف آللیلی، ساریق، ساکار، یمرلی، قاراداشلی، نخورلی و اولام جمعیت متوسطی دارند. طوایف بازهم کوچکتری چون سرحی، مَکری، آنولی، کراچلی، حاسارلی، را می‌توان در اینجا متذکر گردید.

(Berdiyev, Kurenov 1970:24-27)

■ اسم یوموت

در خصوص مفهوم قومی نژادی اسم یوموت، در بین دانشمندان، دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد. برخی از تاریخ‌دانان، توجه ما را به یاد داشت‌های تاریخی مربوط به قبیله‌ای که نام «یوموت» داشته است و مرتبط به دوره‌های بسیار پیش‌تری بود، جلب می‌کنند. از این تاریخ‌دانان ی.آ. زویف (Ye.A. Zuyev) به زمان‌هایی خیلی پیش‌تر اشاره دارد. او می‌نویسد ریشه‌ی اصلی نام یوموت Yumut/Yum است و تأکید کرده است که آن هم می‌تواند Gunn/Hun باشد. یک گروه از پژوهشگران توضیح می‌دهند که در سنگ‌نوشته‌های اوغور اسم umut/Yumut آمده است. (Zuyev, 1962:98) و رادلوف توضیح می‌دهد که یوموت به معنای توده، انبوه و ازدحام به کار برده است. (Radlov, 1965:580) از نظر معنایی وامبری نیز در مورد توده و انبوه بودن شرحی آورده است. (Vambery, 1993:48) علمای ریشه‌شناسی لغات (فقه‌الغته) در زبان ترکی، کلماتی چون یوم Yum، یومماک Yummak، یوماک Yumak، یاماک Yamak، یامالاک Yamalak، یومروک Yumruk و یومن Yumn را که بن کلماتی چون Yum/Yumut/Yumit را در بر دارند مورد تأکید قرار داده‌اند و عمدتاً بر روی معنای توده و انبوه آن هم رای هستند. آجیکی یف پیشنهاد متفاوتی ارائه می‌دهد. به نظر او یوموت (یَموت) نام قبیله است به معنای یاغی و دشمن و «موت» و یا «مت» به معنای قاتل دشمن، نابودگر دشمن، هستند.

اما ان. ان. یومودسکی می‌گوید که قبیله‌ی یوموت در قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی به موجودیت خود به صورت یک قبیله‌ی مستقل ادامه می‌داده است. (Yomudeskiy, 1927:321) در نتیجه در قرن نوزدهم میلادی یوموت‌ها هم از لحاظ سیاسی و هم از جنبه‌ی جمعیت از نمایندگان برجسته‌ی ترکمن‌ها بوده‌اند. (Necf., 2010:227) در میان این نظریات مختلف، نزدیک‌ترین آنها به واقعیت، می‌تواند نظر دانشمند مجار، وامبری باشد. وامبری معتقد است که اسم قدیمی قومی نژادی یوموت در معنای ایل، خلق، طایفه، توپار (در آلمانی Menge) معادل Yom و با پسوند Ut اوت تشکیل شده است. (Vambery, 1885:268) هرچند واژه‌ی yom در مفهومی که در بالا دادیم در زبان ترکمنی امروز کاربرد ندارد این کلمه در Yumri، Yumalak، yumruk، yumak، (گرد و مدور)، Yumurtga و امثالهم. هنوز هم به حیات خود ادامه می‌دهند. واژه‌ی Yumut، در نزد اوغورها به معنای topbak، Topar و در زبان‌های باستانی ترکان، واژه‌های Yumgi و Yumgilik به معنای Yigin جمع شدن و گرد آمدن، کاربرد داشته است. به اجداد قدیمی ما، هون‌ها (ترکان هون). Yumut نیز گفته شده است. اگر در نظر داشته باشیم که در ترکمنی شکل Gun (Hun) گفته می‌شد به مفهوم اسم قومی، نژادی ایل و توپولویق و طایفه می‌آمده‌اند. (واژه‌ی ایل-گون که در زبان ترکمنی به کار می‌رود و در ترکی آناتولی به همان معنا بکار می‌رود) مشکل نیست اشکال Gun

Yomut را به همان معنا مورد استفاده قرار داد. پسوند Ut در کلمه‌ی Yomut، در زبان‌های ترکی قدیم، پسوند فراوانی است. (Ataniyazov, 1999:12)

■ طایفه‌ی یوموت

در زمان استیلای اعراب، قبایل آرساری، ساریق و سالیر، در بیابان‌های واقع در شرق «آمو دریا» (جیحون) زندگی می‌کردند. قبایل تکه، گوکلن و یوموت هم، محتملاً در دوره‌ی چنگیزخان و تیمور، به محدوده‌ای که امروزه در آن زندگی می‌کنند آمده باشند. مهاجرت طوایف تکه، گوکلن، یوموت فقط به شکل گروهی صورت گرفته است، اما این کوچ‌ها هنوز نیز ادامه دارد، چرا که برخی از یوموت‌ها و گوکلن‌ها، مساکن قدیمی نیاکان‌شان را برای کوچ کردن ترجیح می‌داده‌اند.

یوموت‌ها یکی از قبایل بزرگ ترکمن هستند. مردمانی که به این قبیله منسوب هستند، اکثریت جمعیت مناطق (ولایات) بالکان و داش اوغوز را تشکیل می‌دهند. از آنجا که قبایل دارای بستگی با یکدیگر و خلق‌ها، به شیوه‌های مختلف تشکیل شده‌اند و آداب و رسوم که بر مبنای شرایط اقتصادی نظم یافته‌اند، تفاوت‌های ریشه‌ای دارند، قبایل یوموت از لحاظ شیوه‌ی سخن، لباس و پوشاک، صنایع دستی تولیدی (قالی و سوزن‌دوزی) غذاهایی که می‌پزند و امثالهم، کم و بیش تفاوت‌هایی با هم دارند. یوموت‌ها به دو گروه قومی تقسیم می‌شوند: یوموت‌های غربی (بالکان) و یا یوموت‌های شمالی (داش اوغوز) در برخی از منابع به دو بخش به صورت «شاهقدم» و یا یوموت‌های شمالی تقسیم شده‌اند. بخش بزرگی از ایشان در ترکمن صحرای (در اطراف رودهای اترک و گرگان) در خارج از مناطق اترک و گرگان، در قلمروی ازبکستان، به صورت جماعات کوچک در افغانستان و قره‌قالپاقستان دیده می‌شوند. (Ataniyazov, 1994:148)

تشکیل یوموت‌ها به صورت طایفه، ضرورتاً مدت‌ها پس از استیلای مغولان صورت پذیرفته است. چون در منابعی که قبل از شجره‌ی ابوالغازی نوشته شده‌اند، به گروه قومی با نام «یوموت» برخورد نمی‌شود. ابوالغازی هم این کلمه را نه به عنوان طایفه (Boy) که به صورت قبیله (Oymak) به کار برده است. به نوشته‌ی ابوالغازی یوموت از نسل و تبار «سالیر غازان» و نوه‌ی پسر «اوغورجیق آلپ» است. اوغورجیق، بردی، قوملی، یوموت. (Abulgazi, Bahadurhan, 1958:73). یوموت‌ها در دوره‌ای که در اطراف بالکان - منقشلاق به اتحادیه «داشقی سالیر» وارد شدند، باید به درجه‌ی طایفه شدن رسیده باشند.

سلطان‌شاه آتانیازوف مشخص می‌کند که یوموت‌ها به دو شاخه‌ی بزرگ «بایرام شاهلی» (اولی تمیر) و «قارا چوقه» (گوتلی تمیر) تقسیم می‌شوند. از آنها شاخه‌ی «بایرام شاهلی» به طوایف اوکوز، سالاق، اورسوقچی و اوشاق و شاخه‌ی «قارا چوقه» هم به طوایف جعفربای (شرف) و آتابای (چونی) تقسیم می‌شوند. هر قبیله به طوایف و خود آنها به «اوبه‌ها» تقسیم می‌گردند. در جریان سلطه‌ی روس‌ها، طایفه‌ی «اوکوز» دو قبیله و آن‌ها هم به دوازده «اوبه»، طایفه‌ی «سالاق» سه قبیله و هفده تیره، «اورسوقچی‌ها» «جونیت‌ها» سیزده قبیله، «وکیل کل‌ها» چهار طایفه، «قریمسالار» ده طایفه را نمایندگی می‌کرده‌اند. از بین این طوایف، اولین مقاومت‌ها علیه روس‌ها توسط یوموت‌ها صورت پذیرفته است. (Necf, Anneberdiyev, 2010:234)

■ یوموت‌های گرگان و خیوه

به یوموت‌هایی که در شرق دریای خزر و برخی جزایر زندگی می‌کنند، یوموت‌های گرگان گفته می‌شود، یعنی

یوموت‌های گرگانی. علاوه بر این یوموت‌های خیه، یعنی یوموت‌های خیه‌ای، آنانی هستند که سمت دیگر بیابان، یعنی مناطق نزدیک به آمودریا (جیحون) را برای زیستن ترجیح داده‌اند. مکان‌های اصلی اسکان یوموت‌های گرگان در مرز ایران بوده است. خواجه‌نفس، گوموش‌تپه، حسنقلی، اترک، چکیشلر، چله‌کن، (درست تر چره‌کن یا چهارکن فارسی، چهار مایین، به خاطر چهار محصول اصلی این جزیره) (Vamberi, 2003: 230-233)

می‌دانیم از بین طوایف ترکمن، فقط یوموت‌ها خواستار رابطه با روس‌ها بوده‌اند. شخصیت بزرگی که عنوان «خانی» داشت یعنی غیات بگ (غیات بگ) را به نزد فرمانده نظامی در گرجستان، اعزام کردند. پس از این واقعه او شهرت تاریخی پیدا کرد. وی از طرفداران پذیرش تابعیت روس‌ها، توسط ترکمن‌ها شد. آن‌گونه که در دایره‌المعارف روس آمده در سال 1836، به هنگامی که گ.اس. کارلی در راس هیئتی برای شناسایی ترکمنستان غربی، ماموریت یافت ترکمن‌ها به سیاحان روس کمک کرده‌اند. در همان سال در ماه ژوئن ترکمن‌های اترک - گرگان و حسنقلی جمع آمدند و توسط گ.اس. کارلی، درخواستی برای دولت روسیه، ارسال نمودند. در این درخواست 20777 خانوار یوموت تقاضای تابعیت از دولت روسیه را نموده بودند. (TIA, 1992: 52-53)

در سال 1850 آ.اف. بلارامبرگ، که سفری اکتشافی در بخش شرقی دریای خزر انجام می‌داد، درباره‌ی رهبران طایفه چنین می‌نویسد آنها از طرف هم طایفه‌های هایشان و از میان بزرگان و مجرب‌ها برگزیده می‌شوند. البته برای نامزدی در این مورد، صرفاً سن و سال ملاک نیست. بعضاً در راس قوم و قبیله افراد بسیار جوانی که برمبنای خصوصیت شخصی، بسیار روشن هستند نیز می‌توانند به رهبری دست یابند.

از بین قبایل ترکمن فقط یوموت‌ها توانستند استقلال خویش را حفظ نمایند. محدوده‌ی پراکنش آنها از بلندی‌های قارا بوغاز تا ترکمن‌های خیه در مشرق ادامه دارد. یعنی از طرف ایران تا قره‌سو بوده است. در زمین‌های حاصل خیز ایشان، رودخانه‌های اترک و گرگان جاری بودند. یوموت‌ها بر روی دو جزیره هم سلطه داشتند. «نفت یانوی» یا «چله‌کن» و «آوغورچینسکی» یا «آیداک». در جزیره‌ی اول، آب وجود نداشت، اما مقادیر فراوانی نمک و نفت داشت. این نفت و ایرانی‌های شمال ایران، معیشت آنها را تامین می‌کردند.

یوموت‌ها به عنوان یکی از جنگ‌جوترین قبایل، توان تجهیز بیست هزار سوارکار را داشتند. علاوه بر آن، صاحب گروه کشتی‌هایی بودند که به آن «کرجیم» گفته می‌شد، که از قایق‌های کوچک تشکیل می‌شد. آنها با این کشتی‌ها، با ایرانیان کناره‌های جنوبی خزر تجارت می‌کردند و عموماً نفت و نمک می‌فروختند. در صورت ضرورت با ناوگان کشتی‌هایشان تا 1500 سوارکار را جابه‌جا می‌نمودند. خصومت موجود با ایرانیان، مانع از تجارت ایشان نمی‌شد. اغلب اوقات ایرانیان از ترس انتقام بیرحمانه‌ی ترکمن‌ها، سعی می‌نمودند از آنها دور باشند. ترکمن‌ها در خرید و فروش و مبادله و معاوضه اُسراء در مقابل یک یوموت، از طرف مقابل سه نفر را آزاد می‌کردند.

اوضاع ترکمن‌های خیه به مراتب نامناسب‌تر بود. آنها از خیه‌های وحشت داشتند. علل این ترس و وحشت:

1- این مردم جنگجو بودند، همانند ایرانی‌ها، جیان و بی‌نظم نبودند.

2- طوایف ترکمن مخالف یوموت‌ها اکثراً طرفدار خیه بودند.

3- یوموت‌ها در مقابل قوای نظامی بزرگ ایرانی‌ها می‌توانستند به بیابان‌ها و به ماورای رود اترک بگریزند، چرا که ایشان نمی‌توانستند وارد آنجا شوند در حالی که خیه‌های‌ها به سهولت وارد می‌شدند. (Sad, 1960: 92-95, 107-110)

منطقه از اواسط قرن هجده میلادی همواره تحت حملات افشاریان قرار داشت. منابع از حمله‌ی نادرشاه افشار در 28 فوریه 1731 سخن رانده‌اند. حملات افشارها را تهاجمات قاجارها در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی تداوم داد. آ.آ. روسلیاکوف (A.A. Roslyakov) که در اوایل قرن نوزده میلادی به هنگام برشمردن مناطق اسکان طوایف ترکمن می‌نویسد

که یوموت‌ها عمدتاً در قلمروی خویه و گرگان سکونت دارند. به نوشته‌ی او یوموت‌های گرگان با نام «قره چوقه» شناخته می‌شوند. در شماره‌ی اول، نشریه سالبانه‌ی آماری «نگاهی به منطقه‌ی ماورای خزر» به موضوع ارتباط و پیوند بین «قره چوقه‌ها» و «یوموت‌ها» اشاره شده است. وامبری در خصوص یوموت‌ها اینگونه بحث کرده است یوموت‌ها از مرزهای ایران تا رود جیحون گسترده‌اند و در سواحل شرقی دریای خزر و برخی از جزایر ساکن هستند. یکی از چهار عشیره‌ی وابسته به این قبیله، به خاطر تداوم چپاولگری‌های‌شان از دیگران جدا شده به تابعیت ایران درآمده‌اند. اینکه وامبری از جمعیت 200,000 نفری یوموت‌ها بحث می‌کند بدون تردید بسیار اغراق آمیز می‌باشد. اما اینکه در کجاها ساکن بوده و در مرزهای ایران دست به چپاول می‌زده‌اند در گزارش ارسالی 14 ژوئن 1874 کلنل روس، گلوهوسکی (Glukhoskiy) به مرکز آن را تأیید می‌نماید. طبق اطلاعات عبدالرزاق در اوایل قرن نوزده میلادی بین یوموت‌های ساکن مرزهای ایران و قاجارها جنگ‌هایی صورت می‌گرفته است. با فرمان قاجار شاه، محمدقلی میرزا، به یوموت‌ها حمله کرد. یوموت‌ها نیز با فرماندهی رهبرشان قربان قلیچ‌خان در مقابل ایشان مقاومت کردند. منازعات و درگیری‌های قاجارها و ترکمن‌ها تا سال 1836 تداوم داشت. ترکمن‌های یوموتی که در منطقه‌ی گرگان ساکن بودند، بیشتر به شیوه‌ی زندگی یکجا نشینی امرار معاش می‌کردند. منابع از اینکه ایشان به کشاورزی و باغداری مشغول بوده‌اند خبر می‌دهند. (Necef, Annaberdiyev, 2010: 264)

■ جنگ سال 1858 قارری قالا

اگر به روابط یوموت‌ها با همسایگان و دیگر طوایف ترکمن نگاه کنیم آنها جنگ شدید و بی‌رحمانه‌ی دیرینه‌ای با گوکلن‌ها داشته‌اند. برای رسیدن به صلح با تکه‌ها تلاش می‌کردند اما این دو قبیله‌ی جنگاور ابداً امکان رسیدن به صلح و آرامش را نداشتند. این وضع البته بسیار خوشایند ایرانیان بود. ایرانی‌ها و عموماً اهالی مازندران، خراسان و سیستان (سمنان؟) در معرض چپاولگری‌های مداوم قوای قبایل قرار داشته‌اند. قوای قبایل تکه و یوموت مشقات بی‌پایانی ایجاد می‌کردند. با این وصف جنگ قارری قالا، نمونه‌ای برای اتحاد و یگانگی این دو قبیله بود. پیروزی ترکمن‌ها بر قشون خویه، اوضاع اقتصادی جنوب ترکمنستان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد و سبب شد طوایف ترکمن جنوب ترکمنستان برای حفظ آزادی و استقلال‌شان علیه ناصرالدین شاه قاجار همدستان شوند. ناصرالدین شاه، فرماندهی گرد یعنی جعفرقلی‌خان را در راس قشون قاجاری علیه ترکمن‌ها اعزام کرد. ترکمن‌های گوکلن قارری قالا، پس از اطلاع از این امر فوراً طوایف تکه در اخال و یوموت در اترک و گرگان تقاضای کمک کردند. جنگ اصلی در ابتدای سال 1858م آغاز شد. جنگی شدید صورت گرفت که یک روز کامل ادامه داشت. سواره نظام طایفه‌ی یوموت با رهبری محمود ایشان، در میانه‌ی نبرد به کمک رسید. در نتیجه ترکمن‌های قبایل یوموت، گوکلن و تکه متحد گشته و در جنگ پیروز شدند. نبرد قارری قالا آن اتحادی را که ترکمن‌ها در طی قرون متمادی در آرزوی تحققش بودند محقق ساخت. ترکمن‌ها توانستند با اتکا بر نیروهای خودی علیه اشغال‌گران بیگانه مقابله نمایند. (Anna nepesov, 2010: 274)

تداوم حضور قبیله در بین ترکمن‌ها تا قرن بیست میلادی احتمالاً از زندگی نظامی‌وار ایشان منشاء گرفته است. جنگ‌هایی که پشت سرهم و با فواصل کوتاه صورت می‌گرفت باعث شد که طوایف ترکمن در میان دولت‌های کوچک زندگی کنند. (Gundgdiyev, 2002: 833)

■ یوموت‌های ایران یا یوموت‌های ترکمن صحرا

یوموت‌ها که یکی از طوایف بزرگ ترکمن‌ها می‌باشند از لحاظ جغرافیایی به دو بخش تقسیم می‌شوند. گروه اول

ترکمن‌های یوموت گرگان که محدوده‌ی سکونت‌شان شامل جلگه‌ی گرگان و قسمت شمال است یعنی کوه‌های بالکان ترکمنستان فعلی و گروه دوم یوموت‌های خپوه که محدوده‌اش از غرب شهر خپوه تا حدود 600 کیلومتری است که تا شمال گرگان ادامه دارد.

در منابع ایرانی آمده است که یوموت‌ها و تکه‌ها از منقشلاق و بالکان مهاجرت کرده‌اند. در سال‌های دهه‌ی 20 قرن 18م بخش مهمی از یوموت‌ها بین رودخانه‌های اترک و گرگان مسکن گزیدند اما تکه‌ها به سمت آخال روی آوردند و بمرلی‌ها و دیگر طوایفی را که قبل از مغولان در خراسان شمالی می‌زیستند تحت فشار قرار دادند. (Amantiyev, 1995: 77)

از دیدگاه تاریخی هیچ تفاوتی بین ترکمن‌های ایران و ترکمن‌های ترکمنستان وجود ندارد. ترکمن‌های ایران تا سال 1881م سرنوشتی مشترک با ترکمنستان داشته‌اند. تا این تاریخ این ترکمن‌ها در فاصله‌ی دریای خزر و رود جیحون در قالب ملت‌های مستقل در بیگ‌نشین‌ها پذیرفته شده بودند. پس از آنکه به سال 1881م قلعه‌ی گوگ‌تپه ترکمن‌های ترکمنستان به چنگال روسیه‌ی تزاری افتاد بر مبنای قرارداد آخال منعقد بین ایران و روسیه تزاری بین ترکمن‌هایی که در دو طرف زندگی می‌کردند مرز کشیده شد. ترکمن‌هایی که در جنوب می‌زیستند در داخل مرزهای ایران و ترکمن‌های ساکن در شمال ابتدا در قلمروی روسیه‌ی تزاری و بعداً در قلمروی اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفتند. محدوده‌ی زیست ترکمن‌های جنوب در دوره‌ی رضاشاه پهلوی به نام ترکمن صحرا نامیده شد. در دوره‌ای که رضاشاه در سال 1924 به سلطنت رسید همه‌ی طوایف ترکمن صحرا گرد آمدند و با رهبری عثمان آخوند، استقلال خویش را اعلام کردند. دولت جمهوری ترکیه نیز برای حفظ و تداوم جمهوری ترکمن دست یاری به سمت آن دراز کرد. در کنار این امدادها دولت ترکیه تعدادی از افسران ترک (سرهنگ) قادی‌آفندی، جمال بی، مهدی افندی، مصطفی افندی، حیدر افندی، مرات بی، سلطان پاشا را که قابلیت‌های تدریس دروس نظامی و سیاسی و علمی را داشتند به مدرسه‌ی گومش‌تپه اعزام کردند. در نتیجه‌ی شروع حملات متقابل شوروی و حکومت ایران، جمهوری ترکمن فقط دو سال (1923-1924) دوام آورد. پس از این شکست رهبران ترکمن به قتل رسیدند و ترکمن صحرا تحت سلطه‌ی حاکمیت ایران درآمد. با تاسیس مدارس حکومتی توسط دولت ایران- که به زبان فارسی تدریس می‌شد- فرهنگ ایرانی شروع به رواج کرد. علاوه بر آن ترکمن‌هایی که به صورت کوچ‌نشینی زندگی می‌کردند مجبور گشتند به شیوه‌ی یکجانشینی زندگی نمایند. (Deveci, 2009: 42)

■ آداب و رسوم یوموت‌ها

در اوایل این قرن تعداد جمعیت ترکمن‌های یوموت در مرزهای روسیه و ایران به حدود 60000 نفر رسیده بود. بر اساس پژوهش و. آیرونز، تعداد جمعیت یوموت‌های ایران به 130000 نفر رسیده است. (Airon, 2011: 635-658) در منطقه‌ی ترکمن‌ها یوموت از نظر شغل و شیوه‌ی معیشت به دودسته تقسیم می‌شوند اول چاروا و دوم چومور. چاروا با دامداری مشغول است و گوسفند، بُز، اسب، شتر و گاو پرورش می‌دهد. در کنار دامداری بسیاری از آنها به کشت گندم و جو نیز اشتغال دارند. چومورها اما به صورت سنتی اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامداری دارند و بیشتر به تولید گندم و جو مشغولند. بلافاصله در شمال منطقه‌ی جنگلی یوموت‌های چومور زندگی می‌کنند. چون در شمال کوه‌های البرز، رودهای جاری بسیارند، منطقه‌ی مناسبی برای کشت آبی محصولات وجود دارد. تا همین اواخر یوموت‌های چومور، نه بر اساس روش‌های آبیاری که بر مبنای کشت دیم گندم و جو و در مرحله‌ی بعد به دامداری (گوسفند و بُز) می‌پرداختند. یوموت‌های چاروا هم در بخش‌های کویری و بیابان‌های شمالی‌تر برای یافتن

مراتع شیوهی کوچ روی را دنبال می‌کرده‌اند. چارواها در مراتعی که در منطقه مورد استفاده قرار می‌دهند از آب باران و چشمه‌ها برای مصرف شخصی و احشام‌شان استفاده می‌کنند. اینکه در هر مسافت یک ساعته آب باران انبار شده وجود دارد این منطقه را به کمپ دامداری تبدیل نموده است. وجود دوره‌های خشک‌سالی موضوع کمبود آب ذخیره شده را به معضلی تبدیل می‌نماید. کوچ‌نشینان برای تامین آب مورد نیاز دام‌های‌شان هر روز تلاش می‌نمایند. آنها مجبور می‌شوند آب مورد نیاز را از رودخانه‌ها اترک و گرگان و یا آب چاه تامین کنند.

■ اسب‌های یوموت

اسب‌های ترکمن مشهور به آخال تکه، از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین نژادهای دنیا شناخته می‌شوند. اسب‌های ترکمن هم به دو دسته تقسیم می‌شوند اسب‌های تکه و اسب‌های یوموت. بر اساس آخرین پژوهش‌ها نسل اسب‌های تکه، از ایام قدیم توسط ترکمن‌ها حفظ و صیانت شده‌اند. اسب‌های ترکمن به عنوان قدیمی‌ترین نمونه‌ی اسب‌های شرق در قرن گذشته بر «اسب‌های دوخون آلمانی» هم تاثیر خود را گذاشته است. اسب ترکمن از لحاظ خورد و خوراک و نگهداری باصرفه هستند. اسب‌های «تکه» جلوه‌ی بی‌همتایی دارند. ویژگی آنها صاحب بدنی زیبا و کشیده و سینه‌ای کم عرض (درقیاس با اسب یوموت) و پاهایی قدرتمند و سرعت بسیار زیاد هستند. اسب‌های یوموت در ترکمنستان در جنوب غربی منطقه‌ی اترک و در شمال شرقی منطقه‌ی داش اوغوز، پرورش می‌یابند. علت اینکه اسب‌های ترکمن صفات اسب عربی را پیدا کرده‌اند آن است که در مجاورت ایشان ایرانیان به پرورش اسب فارس- عرب اقدام می‌نمودند. از طرف دیگر قبل از انقلاب بلشویکی در روسیه بر اساس سنت باقی‌مانده «کوچ» سوارکاران زمستان‌ها به جلگه‌ی گرگان می‌کوچیدند. این امر به عربی شدن بیشترخون اسب یوموت منجر گردید. در سال 1916 که شورش یوموت‌ها سرکوب گردید، در راه پرورش اسب‌های یوموت در جنوب غربی ترکمنستان موانعی ایجاد شد. روس‌ها با هدف قراردادن اسبان یوموت باعث نابودی اسب یوموت در منطقه‌ی اترک شدند. (Shajkiy, 1934:14-19)

فقط یوموت‌ها هستند که نژاد محلی و ویژه‌ی یوموت را پرورش می‌دهند. آنها نیز همانند اسبان آخال تکه، از نژاد اسبان باستان هستند. این نوع در جنوب غربی ترکمنستان و در مناطق کوهستانی مرزهای ایران از طرف طوایف ترکمن یوموت به صورت گله (ایلیخی) و به تعداد زیاد پرورش می‌یابند. اسبان یوموت به تیپ کویری نزدیک هستند و نسبت به اسب آخال تکه، خشن‌تر به نظر می‌رسند. در اصل به عنوان اسب سواری استفاده می‌شوند. در ضمن یوموت‌ها از اسب‌هایشان در مسابقات نیز استفاده می‌نمایند. این اسب‌ها بسیار مقاوم‌تر از اسب‌های آخال تکه هستند. اما در دویدن چهار نعل بسیار کندتر می‌باشند.

■ رقص گوشت دپدی

این رقص در دوره‌ی قدیم قسمتی از یک «مراسم ذکر» یعنی «یادکرد ویژه‌ی خدا» به شکل خاص با صدای بلند و یا بی‌صدا بوده است. «گوشت دپدی» به شکل یک سنت جشنواره‌ای و به عنوان بخشی از یک سنت و سرگرمی حفظ و صیانت شده است. سه نوع «گوشت دپدی» وجود دارد: یک بار، دو بار و سه بار کوبیدن پا بر زمین. کوبیدن یک بار پا بر زمین، شرکت‌کنندگان دست راست و پای راست را در یک حرکت در موقعیت شروع قرار می‌دهند. بعداً نیم دور به سمت چپ می‌چرخند و یک دایره تشکیل داده و به حرکت ادامه می‌دهند. در گوشت دوم و سوم همان حرکت را دو و یا سه بار تکرار می‌نمایند. آنچه اهمیت دارد، هماهنگی و زمان‌بندی منظم حرکات می‌باشد.

رقص کوشت دپدی از قدیم در تفریحات، جشن‌ها و عروسی‌ها اجرا می‌شده است. این سنت هنوز در بین ترکمن‌ها به موجودیت خود ادامه می‌دهد. از سال 1990 رقص کوشت دپدی رسماً در سراسر کشور ترکمنستان اجرا می‌گردد و به عنوان رقص ملّی مردم ترکمن مورد پذیرش قرار گرفته است. این رقص در قدیم صرفاً مختص قوم یوموت بود و در همه‌ی مراسم و جشن‌ها اجرا می‌گشت. می‌دانیم که ترکمن‌های یوموت این رقص را به بهترین شکل اجرا می‌کنند.

■ نتیجه

اطلاعات و معلومات گران‌بهایی که دانشمندان با پیشگامی محمود کاشغری تا امروز در مورد طوایف اوغوز ترکمن گرد آورده‌اند هنوز هم چون گذشته مورد توجه قرار دارد. رویداد و قاعده‌ی تقسیم به قوم و قبیله از ضروریات شرایط تاریخی شده است. گذشته‌ی باستانی طوایف اوغوز، مهاجرت‌هایشان از یک سرزمین به سرزمین دیگر، در اوایل و یا در اواخر قرن بیستم ایجاد طوایف جدید با اختلاط با یک‌دیگر اسکان آنها در قلمرو جغرافیایی ترکمنستان فعلی و موضوع مورد پژوهش ما، طایفه‌ی یوموت به پایان می‌رسد.

می‌دانیم که طایفه‌ی یوموت که سعی نمودیم از بین طوایف ترکمن بر روی آن پژوهشی انجام دهیم یکی از شاخه‌های بزرگی است که مردم ترکمن ایجاد نموده‌اند. این طایفه که یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر مردم ترکمن است. از آغاز قرن ده میلادی تا این اواخر به ویژه در تاریخ ترکمن و روسیه و ایران جایی مهم برای خویش پیدا کرده و با جلب توجه دانشمندان ارزش اصیل و ویژه‌ای به دست آورده است. می‌توانیم مدّعی شویم که در این پژوهش توانسته‌ایم نگاه کوتاهی به تاریخ طایفه‌ی یوموت بیندازیم. یوموت‌ها به عنوان بزرگ‌ترین طایفه‌ی ترکمن، جنگاور، شیفته و دلبسته‌ی آزادی خود بوده‌اند. می‌توانیم بگوییم آنها طایفه‌ای هستند که توانسته‌اند فرهنگ و آداب و رسوم نیاکان‌شان را تا امروز صیانت نمایند. در مقایسه با دیگر طوایف ترکمن نقش و سهم ایشان در میدان و صحنه‌ی تاریخ بسیار بزرگ‌تر بوده است. بعضاً با دولت‌هایی چون روسیه، ایران، بخارا، خان‌نشین خیوه، همسایه و مجاور بوده‌اند. گاهی هم برای دفاع از استقلال خویش درگیر دشمنی و خصومت بوده‌اند. اگرچه دانشمندان درباره‌ی نام و خود طایفه‌ی یوموت نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. به نظر ما دیدگاه وامبری که مدّعی است یوموت در زبان ترکی به معنای «ایل، خلق، طایفه و گروه است درست‌تر و قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد.

امروزه دیگر با پدیده‌ی تقسیم طایفه‌ها و قبایل روبه‌رو نیستیم. با این وصف به عنوان رویداد و قاعده‌ای به جای مانده از گذشته طوایف ترکمن در داش اوغوز، بالکان و گرگان (ایران) زندگی می‌کنند. یوموت‌ها دارای تفاوت‌های فرهنگی در خصوص ویژگی‌های دیالکتیکی، لباس و پوشاک، قالی و گلیم، نقوش سوزن‌دوزی‌ها و تزئینات، ابزار آلاتی که در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند و بعضاً برخی از آداب و رسوم می‌باشند.

امّا علی‌رغم حوادث تاریخی و اینکه اکثر طوایف ترکمن تقسیم شدن‌ها را پذیرفته‌اند و در جغرافیاهای متفاوتی زندگی می‌کنند (ایران، آناتولی، عراق، روسیه و...) یکی از اجزای اساسی مردم ترکمن هستند. تقسیم شدن به طوایف را می‌توان رویدادی تاریخی در روند تکاملی آنها در نظر گرفت. اینکه ترکمن‌ها به قبایل یوموت، تکه، گوکلن، ارساری و امثالهم تقسیم شده‌اند، صرفاً نشان دهنده‌ی تفاوت‌های فرهنگی مردم ترکمن و سنت‌های قدیمی که از نیاکان‌شان به میراث برده‌اند می‌باشد. در بخش قرمز رنگ پرچم ترکمنستان پنج نقش قالی وجود دارد. نقوش پنج‌گانه تکه، سالیر، ارساری، چودور و یوموت، نشانه‌ی دوستی و همبستگی مردم ترکمن می‌باشند.

■ منابع (Kaynaklar):

- Abul-Gazi Bahadurhan, (1958). Rodoslovnaya Turkmen. Kononov A. N. (Çev), AN SSSR Yayınları, Moskva-Leningrad.
- Airons William, (2011). The case of the Yomut Turkmen. Wiley-Blackwell Essay, American Ethnologist, Vol.1, No.4, Pennsylvania State University, USA.
- Amantiyev. O., (1995). İstoriya Turkmenistana XVIII veka, Aşgabat.
- Annanepesov. M., (2000). Garrıgalinskaya Bitva 1858 goda. Entsiklopedicheskiy Slovar (İstoriko-Kulturnoe Naslediye Türkmenistana), İstanbul.
- Ataniyazov. S., (1994). Şeçere (Türkmenin nesil daragıtı), Aşgabat.
- Ataniyazov. S., (1999). Türkmen Boyların Geçmişi, Yayılışı, Bugünkü Durumu ve Geleceği, Bilig Türk Dünyası Sosyal Bilimler Dergisi, 10/yaz, Türkiye.
- Bartold. V. V., (1963). Soçineniya. T. 8, Çast: II, Moskva.
- Berdiyev. R., Kürenov. S., (1970). Türkmen Dilinin Dialeklerinin Oçerki, Aşgabat.
- Çınar. A. A., (2002). Türkmen Atı, c. XIX, Ankara.
- Deveci. A., (2009). Ortadoğu Analizi, c. I, Ankara.
- Djikiyev, A., (1972) Etnografiçeskiy Oçerk Naseleniya Yugo-Vostoçnogo Turkmenistana, (Kones XIX- naç. XX vv.), Aşkabat.
- Gündogdıyev. O. A., (2002). Türkmenlerde Savaş Sanatı ve Silahlar (VI-XVI. YY.), c. XIX, Ankara.
- Malov. S. E., (1959). Pamyatniki Drevnetyurkskoy Pismennosti Mongolii i Kirgizii, Moskva-Leningrad.
- Materialı po İstorii Turkmen i Turkmenii. (1939). c. I, II. Moskva- Leningrad.
- Nartiyev. N., (1994). Türkmen Dialektologiyasının Esasları, Çarçöv.
- Necef. Ekber. N., Annaberdiyev. A., (2003). Hazar Ötesi Türkmenleri. 1. Baskı, Kaknüs Yayınları, İstanbul.
- Radlov V. V. (1965). Opıt Slovary Tyurkskih Nareçiy 1893-1911 gg., Moskva.
- Sbornik Arhivnih Dokumentov. (1960). Prisoedineniye Turkmenii k Rosii. AN Turkmenskoy SSR Yayınevi, Aşhabad.
- Şaçkiy. Yu. V., (1934). Yomudskaya Loşad Turkmenii, Aşhabad-Baku.
- Türkmenistan İlimlar Akademiyası. (1992). Türkmen Hanları ve Serdarları. Entciklopediya Yayınevi, Aşgabat.
- Vamberi. A., (2003). Puteşestviye po Sredney Azii, Çev. Z. D. Golubeva, Moskva: Vostoçnaya Literatıra Yayını.
- Vamberi. A., (1993). Bir Sahte Dervişin Orta Asya Gezisi, N. Mehmet Özalp (Çev.), İstanbul.
- Yomudskiy. N. N., (1927). O Rodoslovnoy Turkmen-Yomudov ili Osobennosti, Znaçeniye Rodoslovnoy, Proses Obrazovaniya Rodovih Deleniy i ih Nazvaniy, Taşkent.
- Zuyev Yu. A. (1962). İz Drevnetyurkskoy Etnonimiki po Kitayskim İstoçnikam (Boma Guy, Yanmo), Trudi İnstituta İstorii Yayını, Alma-Ata.